

لطفاً یکی آژیر خطر را به صدا درآورد

مؤلف:

لیاقتعلی پور چنگیز

ناشر: بارش نگار

تابستان ۱۳۹۱

سرشناسه

:پورچنگیز، لیاقتعلی، ۱۳۲۹ -

عنوان و نام پدیدآور

: لطفاً یکی آذیر خطر را به صدا درآورد

مؤلف

: لیاقتعلی پورچنگیز

مشخصات نشر

: کرمان: بارشنگار، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری

: ۲۱۰ص.

شابک

: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۶۲۴-۴-۱

وضعیت فهرست نویسی

: فیا

موضوع

: اعتیاد

موضوع

: اعتیاد - ایران - پیشگیری

موضوع

: اعتیاد - درمان

رده بندی کنگره

: ۶۱۳۹۲/۸۶/ب HV۵۸۰۰

رده بندی دیویی

: ۳۶۲/۲۹۲

شماره کتابشناسی ملی

: ۳۱۴۹۲۳۰

عنوان کتاب:

لطفاً یکی آذیر خطر را به صدا درآورد

مؤلف:

لیاقتعلی پورچنگیز

ناشر:

بارش نگار

صفحه آرای و تنظیم:

مجید نیک پور

طرح روی جلد:

مهدی جعفری

نوبت چاپ:

چاپ اول-بهار ۱۳۹۲

قیمت:

۶۰۰۰۰ ریال

شمسارگان:

۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی:

لوح/۲۴۵۶۷۵۵

چاپ و صحافی:

چاپخانه کرمان تکثیر/۲۴۴۹۲۷۵

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

تقدیم به :
روح پاک و معصوم دخترم
«سیمین پورچنگیز»
دانشجوی مهندسی کشاورزی
که در سال ۱۳۸۳ به دیدار معبود شتافت
و دایمی همیشگی بر جسم و روحم نهاد

و اما عزیزان از دیر باز شکوه هر سرزمینی مدیون اندیشه و دست توانای مردان بزرگ بوده است. درود بر آنان که خالق شرایطاند نه زاده شرایط. آنانکه افتخارشان فقط به زندگی کردن نیست بلکه تکرشی متفاوت و تحولی شگرف در زندگی همگان است و در سرزمین خاطره ها آنانکه خوبند همیشه سبز و آنان که بزرگی و محبت و مهربانی در قلبشان جاریست همیشه یاد می مانند بقولی انسان بزرگ نیست جز به وسیله فکرش، شریف نیست جز بواسطه رفتارش و قابل احترام نیست جز به سبب کردارش.

بجاست از خانم پریسا شاهرخی همسر، مهندس یاسر پورچنگیز پسر و مهندس سمیه پورچنگیز دخترم که در نگارش و جمع آوری این مجموعه خیر خواهانه و خداپسندانه مشوقم بوده و یاریم نموده اند تشکر و قدردانی نمایم.

با احترام لیاقتعلی پورچنگیز

فهرست مطالب

۹	مقدمه ناشر
۱۱	مقدمه مؤلف
۱۵	پیشگفتار
۱۹	افیون؛ فرساینده و توان سوز
۲۹	کمک به خود، کمک به دیگران
۵۵	مقدمه و خلاصه‌ای پیرامون اعتیاد رفتاری
۸۱	مهارت رویارویی با مشکلات
۹۷	مباحثی در خصوص اعتیاد و درمان آن
۱۲۷	اصول ترک و درمان اعتیاد به مواد مخدر
۱۴۵	روش‌های درمان اعتیاد و نقش مراکز آموزشی در مسئله‌ی اعتیاد
۱۶۱	اهمیت اوقات فراغت و آسیب شناسی آن در خانواده و جامعه
۱۶۵	اعتیاد؛ بیماری خلا معنوی
۱۷۵	توصیه‌هایی برای پیشگیری از اعتیاد به نقل از تجربیات مؤلف
۱۹۷	اعتیاد چیست؟ معتاد کیست؟
۲۰۵	سخن آخر
۲۰۹	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه ناشر:

اعتیاد یک بیماری روانی، اجتماعی و اقتصادی است که از مصرف غیر طبیعی و غیرمجاز برخی مواد مانند الکل، تریاک، حشیش و... ناشی می‌شود و باعث وابستگی روانی یا فیزیولوژیک فرد مبتلا (معتاد) به این مواد می‌شود و در عملکرد جسمی، روانی و اجتماعی وی تأثیرات نامطلوب بر جای می‌گذارد.

لازم به ذکر است بدانیم که از دیدگاه روان پزشکی و پزشکی، فرد معتاد یک بیمار است و بیماری وی مانند سایر بیماری‌ها نیاز به درمان و مراقبت‌های ویژه خود دارد. علاوه بر این باید بدانیم که در پیشگیری اولیه چگونه فرزندان خود را از همان دوران کودکی تربیت نماییم تا در نوجوانی، جوانی و سنین دیگر گرفتار اعتیاد به مواد مخدر نگردند؛ همان گونه که کودکان خود را در برابر بعضی بیماری‌های مسری واکسینه می‌کنیم و یا با رعایت اصول بهداشت جسمی، خانوادگی، محیط و ... سعی می‌نماییم که فرزندان خود را از ابتلا به بعضی بیماری‌ها ایمن سازیم. این پیشگیری اولیه است؛ اما پیشگیری ثانویه به مفهوم واقعی آن یعنی انجام اقدامات لازم و پیگیری‌های درمانی است که وقتی بیمار کاملاً بهبود یافته، با رعایت توصیه‌های پزشکی - بهداشتی از بازگشت بیماری جلوگیری نموده و دیگران نیز با رعایت همان اصول، مراقب سلامت خود باشند تا اطرافیان و یا افراد جامعه از ابتلاء به آن بیماری مصونیت یابند. بنابراین بیماری اعتیاد مانند بسیاری از بیماری‌ها نیازمند توجهات ضروری در پیشگیری اولیه و ثانویه است.

از آنجایی که پرداختن به معضل اعتیاد، ترک و نگه‌داری آن، مباحثی طولیل و بحث‌های کارشناسانه می‌طلبد و بایستی تمامی عوامل را از زوایای منطقی و علمی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، بدین بسنده نموده و با آرزوی این که ان‌شاءالله شاهد روزی باشیم که اعتیاد به مواد مخدر و یا هرگونه اعتیاد دیگری در کشور عزیزمان ریشه کن گردد، و دیگر شاهد این بیماری وحشتناک و پیامدهای آن در کشور خویش نباشیم، بجاست از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر جناب آقای لیاقتعلی پور چنگیز تشکر ویژه نمود.

ایشان که خود از زخم دیدگان این بادیه ضلالت بوده‌اند، به مدد الطاف خداوند متعال و در سایه همت و اراده‌ای که در نهاد تک تک افراد بشر خداوند به ودیعه نهاده است، توانستند پس از سال‌ها تحمل رنج و محنت و سختی، از این دام‌رهایی بسته و اینک نه تنها آزاد و رها شده‌اند بلکه به جبران این لطف و عنایت حضرت حق، تمامی توان و همت خویش را صرف نجات بسیاری از هم

استانی‌های خود از این بلای خانمان‌سوز کرده‌اند و با احداث اولین کمپ ترک اعتیاد - بدون دارو - در استان و نجات بیش از سه هزار نفر از هم استانی‌های عزیز، خوشبختانه در عرصه فرهنگی نیز با نگارش دو مجموعه‌ی «ای کاش پدر معتاد نبود» و «رهایی، آرامش» قدم‌های ارزنده‌ای نیز در تغییر تفکر و متنبه نمودن معتادین و آشنا نمودن خانواده‌ها با این معضل نموده‌اند.

اینک موجب مباهات و افتخار است که سومین مجموعه‌ی ایشان با نام «لطفاً یکی اُزیر خطر را به صدا درآورد» توسط این انتشارات منتشر و به تمامی دل‌سوختگان این وادی و خانواده‌های محترم عرضه می‌گردد. بی‌تردید از آنجایی که آقای پورچنگیز خود به تمامی پیچ و خم‌های این راه به ظاهر ناهموار آشنا بوده، لذا در نگارش این مجموعه سعی بر آن داشته تا به زبان بسیار ساده و خودمانی و قابل فهم برای تمامی افشار و گروه‌ها، به این معضل پرداخته و ماحصل تجارب تلخ و دستاوردهای شیرین پس از رهایی را خلاصانه و مخلصانه ارائه نماید.

اگر این مجموعه بتواند در نجات و آگاهی تنها یک نفر از معتادان و دربندان این معضل کمک نماید، بی‌تردید تمامی خواسته و هدف این انتشارات فراهم گردیده است، ان شاءالله.

انتشارات بارش نگار
مهدی جعفری



مقدمه مؤلف

به نام خداوند بالا و پست که از هستیش هست شد هر چه هست

هم وطن عزیز، در نگارش این مجموعه و همچنین دو کتاب قبلی‌ام «ای کاش پدر معتاد نبود» و «رهایی آرامش» در پی انتقاد از شخص، ارگان یا اداره‌ای نبوده و نیستم؛ نمی‌خواهم در سیاست دخالتی داشته، قصد ابراز وجود و تخریب و تمسخری نیز در میان نبوده و تنها نیت و خواسته‌ام از ارائه‌ی این مطالب، خیر و صلاح اجتماع و انجام وظیفه بوده و امید دارم که در این راه توانسته باشم به حد توان و بضاعت، گوشه‌ای از این معضل بزرگ را به رشته‌ی تحریر درآورم. در نگارش این مطالب، که در آن به تمامی از دیو سخت جان و وسوسه‌گر و خانمان‌برانداز اعتیاد و مواد مخدر سخن گفته شده است، بدان نیت و امید بوده تا شاید این مختصر انگیزه‌ای برای بهتر زیستن شود و شاهد پایان یافتن یا کم رنگ‌تر شدن صحنه‌های تلخ اعتیاد در زندگی مردم عزیز کشورمان باشیم. بی‌تردید عدم رعایت اصول اخلاقی - اجتماعی، یکی از دلایل آغاز خودکشی انسان و موجب درگیری همیشگی اقوام و ملل مختلف بوده که این مهم باعث عدم تعادل بین جمعیت‌های بین‌المللی است. از این روست که انسان باید بتواند ارزش‌های واقعی خود را بهتر بشناسد و با برنامه‌ریزی، آنچه را که لازمه‌ی بهتر زندگی کردن است، بداند و این امر محقق نمی‌گردد مگر آن که آدمی کمر همت بندد و احساس مسئولیت نماید.

خواندن مطالب این کتاب را به پدر و مادران توصیه می‌کنم چرا که اولین و مهم‌ترین کانون زندگی هر شخص، در خانه و در بین اعضای خانواده است. پدران و مادران بایستی از کودکی، فرزند خود را در خانه، مدرسه و به ویژه در اجتماع تحت مراقبت دائمی خود داشته باشند و بدانند که برای فراهم کردن فردای بهتر فرزند خود، بایستی از تعلیم و تربیتی صحیح در خانه شروع نمود.

انگیزه‌ی دیگر من در نگارش این مطالب، این است که بدین وسیله به نسل‌های آینده هشدار دهم که پی‌ریزی زندگی خوب، آن قدرها هم آسان نیست که سرسری به آن نگاه کنیم بلکه باید با تلاشی پیگیر و با دور اندیشی، خود را از هر حیث آماده سازیم تا بتوانیم در ساختار اجتماعی بهتر نقش داشته و با همکاری یکدیگر در خوب زیستن و سلامت جامعه سهیم باشیم.

به یاری خداوند دستگیر و خطابوش، از آنجایی که همواره نیت این جانب در خدمت به این قشر از جامعه بوده، امید و رجاء واثق دارم که این مجموعه‌ی ناچیز بتواند گامی کوتاه در برانگیختن انگیزه‌ی افراد مستعد و خدمت‌گزار و خادم به جامعه - که اینک به دام دیو اعتیاد افتاده‌اند - گردد و همچنین سنگ‌بنای اولیه برای دیگر محققین و دلسوزان این عرصه باشد.

هم وطن عزیز، تمام عکس‌العمل‌های روانی ما از شرایط زندگی؛ اعم از خواسته‌ها، تأمین غرایز، زیبایستی، تمایل به هنرآموزی، تعلق به مسائل دینی و عرفانی و ... هر چند از تربیت اولیه، از شرایط محیط و اجتماع و ... سرچشمه می‌گیرد اما در مجموع تمامی این‌ها از استعدادهای فطری افراد جامعه شروع می‌شود. هر کس بتواند با خدا ارتباط بهتر، عمیق‌تر و خالصانه‌تری برقرار کرده و بر او تکیه کند و از او مدد بخواهد، بی‌شک آرامش و آسایش بیشتری خواهد یافت. آری، انسان می‌تواند به تالی رسد چرا که خداوند به انسان خطاب نموده و او را اشرف مخلوقات و خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده است، پس با تلاش و کوشش و پرهیز از وسوسه‌های نفسانی و جسمانی می‌توان بدین مرحله رسید؛ همان گونه که ائمه معصومین و بندگان مخلص دیگری که در مرزهای این بی‌کران نام می‌نهند بدین مقام دست یافته‌اند. آری، هر کسی می‌تواند به این مقام برسد، به شرط این که بخواهد و بار سنگین مسئولیت را بر دوش کشد و از بسیاری از لذایذ و منافع ظاهری و زودگذری که به دنبال آن عمری بدبختی و مشکلات - چون اعتیاد - نهفته است اجتناب نماید.

از آنجایی که کمک به دیگران و رفع مشکل هم نوع، عاروه بر وظیفه دینی، شرط بقا و ثبات یک جامعه نیز محسوب می‌گردد، بی‌تردید همه‌ی ما در درمان آسیب‌های اجتماعی همه موظف هستیم. باید افراد محروم و صدمه دیده‌ی اجتماع را شناسایی کرده و از خطرات متعدد معنوی و مادی آگاه نموده و یاری‌اش دهیم. آری این عمر ماست که به تعبیر ربیای مولای متقیان علی (ع) چون ابر در گذر است و ما غافل از گذشت سریع آنیم. عمر آدمی با تمامی نشیب و فرازها در گذر است و بیشتر ما قدر آن را نمی‌دانیم و بدین واقعیت ایمان قلبی نداریم که آنچه از ما می‌ماند، نتیجه‌ی اعمال ماست. پس بیایید از خود یادگارهای خوبی برای آیندگان باقی گذاریم و سرمشقی خوب در برانگیختن فکر و روح انانی باشیم که به هر دلیل گرفتار افیون و اعتیاد شده و چون کبک سر در زیر برف فرو برده و غافل از آینده‌ی فاجعه‌بار خود هستند. میل به لذایذ زودگذر و فانی، ما را به پستی و نیستی می‌کشاند و در گرداب هوس‌ها غرق می‌کند و در ساحل فلاح و رستگاری این دریای ویرانگر، تنها تقوا و پرهیزکاری است.

به طور کلی از اهم اموری که ما را نزد خدا و خلق خدا محبوب و عزیز می‌کند، خدمت به خلق است و چیزی که ما را از خدا دور می‌کند، گناه است، پس بیایید جسم و روح خود را از گناه باز داشته و به تزکیه‌ی خود بپردازیم تا سرمشق خوبی برای فرزندان و نزدیکان خود باشیم. باید وجدان مردم را بیدار کرد، عواطف را برانگیخت، تخم محبت را در زمین فطرت آدمی کاشت و از راه تقوا و خدانشناسی به اصلاح امور مردم مبادرت ورزید.

عزیزان، عاطفه در وجود انسان به صورت حس وجدان و اخلاق وجود دارد که این مهم باعث می‌شود انسان همواره در راه خیر و صلاح مردم حرکت کند. عاطفه سرچشمه بسیاری از فضایل اخلاقی از جمله تلطیف روح، ارضاء نفس، احیاء اجتماعی است که در والاترین مرتبه موجب تزکیه و تلطیف روح می‌شود و در بیانی ساده‌تر؛ عاطفه، موهبتی الهی است که در انسان به ودیعه گذاشته شده و از خشونت و تجاوز به حق دیگران بیزار است.

هم وطن، اگر بخواهیم نسل‌های آینده را از هر لحاظ آماده‌ی پیشرفت کنیم، باید همه‌ی ما در ساختار اجتماع کشور عزیزمان ایران نقشی سازنده داشته باشیم و در تعلیم و تربیت فرزندان خود سعی بلیغ مبذول داریم. در بعضی موارد لازم است از خود مایه بگذاریم و در اصلاح اجتماع بی‌تفاوت نباشیم زیرا فزونی فساد اجتماع، ناشی از بی‌تفاوتی‌ها و «به من چه‌ها» است، از وجود افراد ناصالح است، از اعتیاد است، از فساد اخلاقی است، از تجاوزهای جنسی و از بی‌مسئولیتی است. باید دانست هر چه ما در تعلیم و تربیت فرزندان خود بکوشیم و در روابط خانوادگی نمونه‌های خوبی برای آنان باشیم، موفقیت و پیشرفت شهر و کشور خودمان را تضمین می‌کنیم.

و من الله التوفیق

لیاقتعلی پور چنگیز

تابستان ۱۳۹۱

www.ketab.ir

پیشگفتار:

دروود بر پیشروان ارزشمندی که با رهبری‌های خردمندانه‌ی خود اجتماعات بشر را به سوی آینده‌ای امیدوار و برکنار از هر آلودگی و فساد سوق می‌دهند.

دروود بر وطن پرستان و انسان دوستانی که از هر راه و طریق ممکن با اعتیادات شوم و نکبت‌بار مواد مخدر دست‌نیزند و به ویژه دختران و پسران جوان را که آینده سازان کشور عزیزمان ایران هستند، آگاه و بیدار نگاه می‌دارند و در این پیکار مقدس هماهنگ و هم‌گام به پیش می‌روند عزیزان، در کتابی از دکتر محمدجواد نوربخش - پیر طریقت نعمت‌الهی - خواندم: «اعتیاد شخصیت انسان‌ها را پست می‌سازد. به شخص معتاد اعتماد مکن که زود عهد خود را بشکند و به ارزش‌های انسانی پشت پا زند. تو نیز اگر اهل دردی، زنده‌ای که گرد اعتیاد نگردی، زیرا اعتیاد پایمردی و ثبات قدم و وفاداری را در انسان‌ها اندک‌اندک نابود می‌سازد».

البته باید به عرض برسانم همان طور که در دو کتاب قبلی خود به نام «ای کاش پدر معتاد نبود» و «رهایی آرامش» توضیح دادم، حقیر مؤلف «ایاقتعلی پور جنگیز» شلاق اعتیاد بر بدنم خورده و ۱۲ سال از بهترین سال‌های عمرم را اسیر اعتیاد به مخدر تریاک بوده‌ام و صد در صد عقیده دارم که مواد مخدر یک مسئله‌ی سیاسی است که ابرقدرت‌های استعمارگر وارد نمودند، برای نابودی کشورهای کوچک که همیشه زیر سلطه داشته باشند. هر چه من مطالعه داشتم، در ادوار گذشته، دولت انگلیس در هر کشوری خیمه زده، همواره در راستای غارت منابع و بهره‌برداری سیاسی بوده و از این گذر، برای آن کشور، ویرانی و استثمار به ارمغان داشته است.

رهبران آزمندی که معتقدند حکومتی که بر پایه‌ی و بنیاد اخلاق اداره شود حکومت سیاسی پایداری نیست و سرانجام نیروی خود را از دست خواهد داد. دولتی که بخواهد امپراتوری را پایه گذارد و به استثمار دیگر ملت‌ها بپردازد، باید به مکر و حيله و نیرنگ و دورویی روی آورد. صفات پسندیده‌ی رک‌گویی، نجابت و خیرخواهی در جهان سیاست خریدارانی ندارند، چرا که این صفات بنیاد حکومت‌های استعماری را همچون موریانه خواهند خورد. بنا بر همین فلسفه، پیشوایان آزمند کشورهای سودجو در گذشت قرن‌ها - به ویژه پنج قرن گذشته - روابط خود را بر اساس سیاست

- سیاستی که خود مفسر آن بوده‌اند، یعنی پاسداری از منافع خودشان به هر نیرنگ و وسیله که باشد، بدون توجه به دیگر ملت‌ها و ابناء بشر - پی‌ریزی نموده و به روش‌های گوناگون به جان ملل ناتوان افتادند و خون آن‌ها را مکیدند و امپراتوری‌هایی بر شالوده‌ی ظلم و ستم بنیان نهادند و سیاست سر تا پا نیرنگ را اساس کار و زیر بنای روابط خود با دیگران قرار دادند.

در این جا این پرسش پیش می‌آید که چرا ملل استعمار زده که بیشترشان خاورنشینان مسلمان بودند زیر بار ظلم و ستم رفتند، مگر نه این است ظالم و مظلوم هر دو یکسان و مساوی خطاکارند، زیرا یکی دیگری را به هستی می‌آورد و هر دو باید کیفر داده شوند. چنانچه مردم همان‌گونه که خدا آن‌ها را آزاد آفریده است، آزاد و سربلند زندگی کنند و زیر بار بیداد گر نروند، مسلماً ستمگران نمی‌مانند مودی پیدا کنند.

با نگرش به پیکاری که از سال‌ها پیش علیه مواد مخدر آغاز شد و با آگاهی ایرانیان از زیان‌های بی‌درمان و جبران‌ناپذیر چنین سموم کشنده‌ای، انتظار می‌رفت حالا دیگر روز مرگشان فرا رسیده باشد؛ اما متأسفانه چنین نیست. استعمار سیاه به تازگی نغمه‌های دیگری ساز کرده و به وسیله‌ی ایادی ناپاک خود انتشار داده است که مواد مخدر از سنین پنجاه سال به بالا گزند و آسیبی ندارند و از فلان بیماری نیز پیش‌گیری خواهد کرد و خلاصه درمان دردها و آفریننده‌ی شادی‌هایند و چنین و چنان خواهند نمود. در نتیجه برخی از میان‌سالان و پیران را می‌بینیم که فریب‌خورده و در مسیر تبلیغات این چنین نغمه‌های شومی قرار گرفته‌اند. جوانان نیز که امید آینده‌ی کشورند، گروه گروه خود را با آن آلوده‌اند و ندانسته با حیات ملت و کشوری بازی می‌کنند. در این زمان که جهش تاریخی این کشور به سوی تعالی و تکامل بیشتر گردیده، وطن عزیز ما ایران، به مردان و زنانی نیاز دارد که بتوانند با روشی مشخص با طوفان حوادث مقابله کنند و در جهت آرمان‌های اسلامی و ملی و در برابر انگیزه‌های سلیت‌خواهی و نهضت‌های میهنی که اینک ندای آن‌ها در سرتاسر کشور طنین انداز است، مردمانی ارزنده و الگو باشند.

جهان امروز، جهان کار و کوشش و روشن بینی و سازندگی است و ما در عصری به سر می‌بریم که نه تنها ساعات، بلکه لحظات و دقیق هم ارزشمند هستند. در چنین عصری مجال خواب آلودگی و بی تفاوتی نیست. اینک که سال‌های بی‌خبری را پشت سر گذارده‌ایم، باید با تمام نیرو در جهت ریشه کن کردن آلودگی‌ها گام برداریم، آن هم گام‌هایی بلند و پراج و پا برجاست؛ گام‌هایی که پلیدی‌ها را ریشه کن کنند و نمایانگر حال و آینده‌ای حساب شده و سرفراز باشند. تنها بدین خوشحال باشیم و ببالیم که گذشته‌ای تابناک و سربلند داریم، چنین پیشینه‌ی تاریخی و پرافتخاری نباید ما را به خود سرگرم کند و دل خوش دارد و از تلاشی و کوشش در راه به سازی و به زیستی باز ایستیم. امروز به مردان و زنانی کاردان و از خود گذشته و پاک نیاز داریم و بی‌تردید

در این عرصه‌ها، با معتادین بی‌کار و بی‌تفاوت و ناپاک نمی‌توان در عصر رستاخیز و سازندگی، موجودیتی از خود نشان داد.

در گذشته‌ای نه چندان دور، یکی از اهداف اصلی سازمان مخوفی چون مافیا در راستای کسب درآمد سرشار، گسترش و رواج اعتیاد در جهان بود. در پی فعالیت‌های ضد انسانی همین تشکیلات بود که اینک مواد مخدر در جهان به ویژه در بین جوانان نادان و بی‌اراده گسترش یافته و درصد زیادی از مردم را گرفتار خود نموده و همچنان بر شمار معتادان افزوده می‌شود.^۱

مگر در همین شهر ما - کرمان - سیاست استعماری دولت انگلیس مبنی بر رواج تریاک و معتاد نمودن مردم نبوده است؟ هنوز در اذهان بسیاری از معمرین شهر، خاطره‌ی فروش مجانی و یا به قیمت نازل تریاک و خرید به قیمت دو برابر سوخته‌ی تریاک توسط کنسولگری انگلیس به جای مانده است.^۲ این دسیسه‌ی ایچ‌پی‌سی غیر از رواج این افیون در بین مردم بوده است؟

به شر تقدیر، هرکس، در هر گوشه از جهان که به سعادت حال و آینده‌ی خود و فرزندان و کسانش می‌اندیشد، باید به عزم درهم کوبیدن سازمان آدم‌کشی و مخرب مافیا و نابود نمودن کارگردانان و دستیاران این چنین تشکیلاتی بپردازد و تبهکار بپا خیزد و با دیگر مجاهدان خود را هماهنگ کند و بر دولت‌ها است که با تمام نیرو و با هوشیاری کامل با این پیکار مقدس و زندگی بخش هماهنگ و هم‌گام شوند و در جهادی ارزشمند، به قصد درهم شکستن و متلاشی نمودن تشکیلات مافیا، قدم بر داشته و تا پیروزی کامل آن را دنبال کند. باشد که به همت والای بشر اندیشان و انسان دوستان، جهان از گند جنایات سازمان پلیس مافیا و کارگردانان و دستیاران شیطان صفتش پاک و منزه شود.

زنگ‌های خطر به صدا درآمده‌اند؛ برای آینده مردم، به ویژه دختران و پسران ساده لوح و ناآگاهی که گروه گروه در چنگال مرگ‌بار مواد مخدر گرفتار می‌شوند. باید اندیشه‌ای کرد؛ در مقطعی از تاریخ به سر می‌بریم که بایستی پا را از محیط خیال‌پروری فراتر بگیریم و حقایق را بدان گونه که هستند دریابیم. امروزه دختران و پسران جوان، یعنی امیدهای آینده‌ی هر کشور و ملت - آن‌های که با به حساب نیابورنشان، فردایی نیز نخواهد داشت - دسته دسته به سوی تباهی کشانیده شده و مردمی معتاد، بی‌کار و بی‌تفاوت بار می‌آیند.

در مقاله‌ای خواندم: «از میان دانشجویان آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین که در اروپا و آمریکای شمالی سرگرم تحصیل و یا مقیم شده‌اند، گروهی بی‌خبر و تبه‌کارشان خود را درگیر

۱- مدنی، احمد: افیون یا پلیدترین یادبود استعمار، ص ۶۳ تا ۶۵.

۲- به نقل از اکثر سالخوردگان کرمانی که آن دوران را به خوبی در خاطر دارند.

اعتیادات شوم و مرگ‌بار مواد مخدر نموده‌اند و آنچه را که خود از تباهی و فساد بدان پی نبرده‌اند، از کج‌روان اروپایی و آمریکایی فرا گرفته و می‌گیرند و معتاد و منحرف و بی تفاوت به کشورهای خود برمی‌گردند و با ره‌آوردی شوم و نامبارک به آلوده نمودن مردم سرزمین خود می‌پردازند. چنین خطری برای مردم خاور زمین، آفریقا و یا آمریکای لاتین، دهشت‌انگیزتر از مغرب زمین است، زیرا ملل اروپا یا آمریکای شمالی از مرحله‌ی سازندگی گذشته‌اند؛ اقتصاد صنعتی پیشرفته‌ای دارند، چرخ‌های اقتصادی و صنعتی آن‌ها با نیروهای نخستین می‌چرخد و تا مدتی نیز همچنان به چرخش خود ادامه خواهند داد. بر فرض که در میان مردم خود گروهی معتاد و بی تفاوت و بی‌هدف هم داشته باشند، آن قدرها آسیب نخواهند دید که مردم خاورزمین که در مرحله‌ی گذر و در پی سازندگی به سر می‌برند.»

شاید بیان چنین گفتمان ناخوشایند ایجاد نگرانی کند، ولی بازگویی این واقعیت پر غصه، واگویی یک سلسله حقایق است که باید گفته شود؛ خوب یا بد، نمونه اجتماعی است که این‌ها ناآگاه بشر برای خود تدارک دیده‌اند و در آن می‌لوند. باید کج‌روی‌ها را پی در پی عنوان نمود تا شاید تنبیهی پدید آید. شناسایی امراض، نیکی از درمان آن‌ها است و با انتقاد مستدل است که می‌توان بیماری‌های اجتماع را شناخت و درمان نمود. باید از این انحطاط و فساد شدیدی که بیشترش معلول اعتیادات شوم است و به نسبت مردم را گرفتار کرده است؛ به سهم خودمان پیشگیری کنیم و نگذاریم بیشتر از این در جامعه‌ی ما ریشه دواند و تعداد زیادی از دختران و پسران سرگردان ما را در چنگال مهیب و مرگ‌بار خود اسیر نماید. باید قبل از فراگیر شدن آن، ریشه‌اش را از بیخ و بن برکنیم. گروهی افسوس می‌خورند که مشرق زمین، این گهواره تمدن و فرهنگ، اینک در عرصه‌ی اقتصاد و صنعت از اروپا و آمریکا پس مانده‌تر است، ولی چیزی که فعلاً بیش از آن ما را می‌سوزاند و تهدید به انهدام می‌کند، عقب‌ماندگی و الودگی شدید اخلاقی و اجتماعی است. باید به شدت با آن پیکار کرد، بنابراین باید هر کس - به اندازه توان و وسع - در حال حاضر گامی بردارد، فکری بدهد، رهبری نماید، تا شایان تقدیر و خادم به ملک و مملکت و خدمت‌گزار به خلق و خدای گردد. امروزه اجتماعات بشری به جلودارانی نیاز دارند که بتوانند با طوفان حوادث مقابله کرده و پلیدی‌ها را بزدايند و سازندگانی برای اجتماعات سازنده پدید آورند، ان شاء الله.